Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 5/ No. 2/ Summer 2018
Page: 81-92

The role of perceived parenting styles and borderline personality disorder in cyberbullying: role mediator of empathy

Touraj Hashemi[1], Rahim Badri[2], Faroogh Esmaeilpour[3]
1.Professor of Psychology, Educational psycholog, University of Tabriz, Tabriz, Iran
2.Associate Professor of Psychology, Educational psycholog, University of Tabriz, Tabriz, Iran
3. Master Student of Educational Psychology, Psychology Department, University of Tabriz, Tabriz, Iran

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

Abstract

Introduction: cyberbullying is a kind of aggression, deliberate action by a group or individual using electronic communication methods, is defined repeatedly and over time against a victim who can not easily defend himself.

Aim: The purpose of this study was to determine the role of perceived parenting styles (authoritarian, authoritative, disregarded, and easy) and borderline personality disorder in cyberbullying through mediating role of empathy.

Method: The tools used in this study included: Lopez's cyberbullying questionnaire, Naghashan's parenting style questionnaire, questionnaire of borderline personality disorder, the empathy questionnaire of Baron-Cohen and Will Wright. The sample consisted of 305 high school male students of Tabriz, who were chosen according to multi-stage cluster sampling method.

Results: Path analysis results showed that perceived parenting (Authoritarian, authoritative, indifferent) and borderline personality disorder mediated by empathy can explain the cyberbullying changes.

Conclusion: Based on these findings, it can be concluded that cyberbullying can be a reflection of perceived personality disorder and perceived child abusive, dispassionate, and also low level of empathy.

KeyWords: Parenting, borderline personality, Cyberbullying, empathy

مجله روانشناسی و روان پزشکی شناخت
سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷
صفحات: ۹۲-۸۱

نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری: نقش میانجی همدلی

تورج هاشمی[۱]، رحیم بدری گرگری[۲]، فاروق اسماعیل پور[۳]

۱.استاد گروه روانشناسی، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۲.دانشیار گروه علوم تربیتی، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۳. کارشناس ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.(نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه: قلدری سایبری نوعی پرخاشگری، عمل عمدی توسط یک گروه و یا فردی با استفاده از روش‌های ارتباطی الکترونیکی، به‌صورت مکرر و در طول زمان در برابر یک قربانی که به‌راحتی نمی‌تواند از خود دفاع کند تعریف‌شده است.

هدف: لذا پژوهش حاضر باهدف تعیین نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده (مستبدانه، مقتدرانه، بی‌اعتنا و سهل گیرانه) و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی‌گری نقش همدلی انجام شد.

روش: مطالعه حاضر با توجه به اهداف تحقیق، از نوع همبستگی و با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی هست. ابزارهای مورداستفاده در این پژوهش عبارت بودند: پرسشنامه قلدری سایبری لوپز، پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری نقاشان، پرسشنامه نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی، پرسشنامه همدلی بهر بارون-کوهن و ویل رایت. نمونه پژوهش ۳۰۵ نفر از دانش آموزان پسر پایه سوم دبیرستان شهر تبریز بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. برای تحلیل نتایج از آمار توصیفی، مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد که فرزند پروری ادراک‌شده (مستبدانه، مقتدرانه و بی‌اعتنا) و اختلال شخصیت مرزی با میانجی‌گری همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به‌طور معنی‌داری تبیین کنند.

نتیجه‌گیری: بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که قلدری سایبری می‌تواند بازتابی از اختلال شخصیت مرزی و فرزند پروری ادراک‌شده مستبدانه، بی‌اعتنا و همچنین پایین بود سطح همدلی باشد.

کلید واژه‌ها: فرزند پروری، شخصیت مرزی، قلدری سایبری، همدلی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

مقدمه

دوره نوجوانی به دلیل تغییرات سریع رشدی و عاطفی، تأثیر مهمی در کیفیت زندگی فرد در دوره‌های بعدی رشد دارد. این تغییرات در بسیاری از موارد موجب بروز مشکلات ناسازگاری، رفتاری و هیجانی می‌شود (موروی وزو واک[1]، ۲۰۱۱). یکی از مشکلات سازگاری دوره نوجوانی قلدری[2] است. توجه به پدیده قلدری در سطح جهانی، اولین بار با پژوهش الویوس (الویوس[3]، ۱۹۹۳)، در سال ۱۹۸۰ شروع شد. قلدری به عنوان رفتارهای پرخاشگرانه و مکرر که توسط فرد قلدر در برابر همسالان ضعیف‌تر انجام می‌شود، تعریف‌شده است. (الویوس، ۱۹۹۳). در سالهای اخیر با تغییر سبک زندگی افراد و ورود تکنولوژی به زندگی‌ها، شیوه بروز قلدری نیز تغییریافته است. در قرن ۲۱، افراد قلدر برای آزار رساندن و زورگویی نسبت به همسالانشان از شیوه‌های جدیدتری چون مزاحمت‌های تلفنی یا انتشار پیام‌ها و تصاویر اینترنتی استفاده می‌کنند. این نوع اخیر قلدری، تحت عنوان قلدری غیر سنتی[4] یا سایبری[5] مصطلح است و برخلاف قلدری سنتی بر ارتباط چهره به چهره بین قلدر و قربانی وابسته نیست (پاچین و هیندوجا، ۲۰۱۱؛ لاو، شاپکا، هیمل، اولسون، واترهوز، ۲۰۱۲؛ کوالسکی، مورگان و لیمبر[6]، ۲۰۱۲). قلدری سایبری و یا قلدری از طریق ابزارهای الکترونیکی که در آن، فرد قربانی امکان دفاع از خود را ندارد، به طور فزاینده‌ای در جامعه امروزی رایج شده است. این نوع قلدری گاهی اوقات به‌عنوان پرخاشگری سایبری و یا پرخاشگری الکترونیکی اطلاق شده (دراکر و مارستولف، ۲۰۱۰؛ پوماری، وود[7]، ۲۰۱۰) و یک نوع قلدری است که به‌وسیله اعمال تهاجمی با استفاده از فنّاوری‌های الکترونیکی به مرحله ظهور می‌رسد (استاکدیل، کوین، نلسون و اریکسون[8]، ۲۰۱۵). نمونه‌هایی از قلدری سایبری شامل پیام‌های آزاردهنده، پخش شایعات اینترنتی و یا از طریق وب‌سایت رسانه‌های اجتماعی، ارسال و ویرایش عکس‌های فردی برای شرمسار کردن وی و اظهارنظرهای تحقیرآمیز در مورد افراد در سایت‌های اجتماعی می شود (استاکدیل وهمکاران، ۲۰۱۵).

سؤال مهمی که در این خصوص مطرح است این است که چرا نوجوانان مرتکب قلدری سایبری می‌شود؟ بر اساس الگوی تعاملی شخص، فرایند، بافت و زمان در نظریه سیستمی زیستی – بوم‌شناسی[9]، رشد کودکان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها علاوه بر الگوهای زیستی از تعاملات روزمره نیز، تأثیر می‌پذیرد (برون فنبرنر و موریس، ۱۹۹۸؛ به نقل از روداسیل، گالاگر و وایت[10]، ۲۰۱۰). برخی از مطالعات نشانگر آن است که ادراک کودک از سبک فرزند پروری والدین با نگرش‌های خود والدین در مورد سبک‌هایشان متفاوت است. بر این اساس، گرولینگ، دسی، ریان[11] (۱۹۷۷) فرزند پروری ادراک‌شده را بر سه بعد دانسته‌اند: بعد «مشارکت» که به معنای توجه مثبت والدین به کودک و میزان وقتی است که برای او می‌گذارند و به‌طور فعال در فعالیت‌های روزانه با او مشارکت می‌کنند و از آن‌ها آگاه‌اند؛ بعد «حمایت از خود پیروی» که به معنای ارزش قائل شدن والدین به دیدگاه فرزند و استفاده آنان از فنونی است که انتخاب، خود آغازگری، تصمیم‌گیری و حل مسئله را در کودک تقویت می‌کند؛ و در نهایت بعد «مهرورزی» که به معنای

[1].Murray & zvoch
[2]. Bullying
[3].Olweus
[4]. Nontraditional bullying
[5].Cyberbullying
[6]. Patchin, Hinduja; Haw, Shapka, Hymel, Olspn, Waterhouse; Kowalski, Morgan & Limber
[7]. Drauker & Martsolf; Pomari, Wood
[8].Stockdale, Coyne,Nelson & Erickson
[9]. bioecological systems theory
[10]. Bronfenbrenner & Morris; Rudasill, Gallagher & White
[11]. Grolnick, Deci, & Ryan

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

پاسخگو، حساس، توجه کننده، مشوق، استوار و صمیمی بودن والدین نسبت به فرزندانشان است (گرولینک، ۱۹۷۷). تحقیقات نشان داده است که شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه[۱۲]، سلطه گرانه[۱۳] و متناقض[۱۴] به رفتارهای قلدری منجر می‌شود (شیلدز و سیسچتی، ۲۰۱۱ به نقل از احمد و بریس ویت[۱۵]، ۲۰۰۴). از طرفی سابقه‌ی تجربه سوءاستفاده و خشونت فیزیکی کودک در محیط خانه با رفتارهای قلدری (سنتی و سایبری) مرتبط است (داسیچ[۱۶] و میکویا،۲۰۰۷). مبتنی بر شواهد تحقیقی، نگرش مثبت والدین به پرخاشگری، سبک فرزند پروری مستبدانه، تأکید صرف بر آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری همبستگی مثبت دارد (لی، ۲۰۱۰). درمجموع، مطالعات دلالت بر شکل‌گیری قلدری در محیط‌های خانوادگی‌ای دارد که روابط مبهم و ناهماهنگ، مشخصه آن است (احمد و بریس ویت، ۲۰۰۴). قلدری سایبری ممکن است بخشی از بازتاب شخصیتی باشد. اختلال شخصیت خودشیفته و اختلال شخصیت ضداجتماعی هر دو با قلدری سایبری در دوران نوجوانی ارتباط دارند (آنگ، تان و منصور، ۲۰۱۱؛ لاستر، کروس و شاو[۱۷]،۲۰۱۲). از طرفی طبق مطالعات انجام شده، اختلال شخصیت مرزی با پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری در روابط عاشقانه همراه هست (داگلاس و داتون، ۲۰۰۱؛ داتون، ۱۹۹۴، ملوی و بوید[۱۸]، ۲۰۰۳). مطالعات بیشتر نشان داده اند که اختلال شخصیت مرزی با پرخاشگری رابطه دارد (نلسون، کوین، سوانسون، هارت و اولسن[۱۹]، ۲۰۱۴). خشم و پرخاشگری ویژگی‌های شخصیت مرزی اغلب در حسادت در روابط نزدیک آشکار می‌شود (داتون، ۱۹۹۴؛ ملوی و بوید، ۲۰۰۳). در رابطه بین قلدری سایبری با فرزند پروری ادراک‌شده و ویژگی‌های شخصیت مرزی یک متغیر میانجی به نام همدلی وجود دارد. به‌طورکلی می‌توان نشان داد که پاسخ همدلانه با رفتارهای جامعه پسند رابطه مثبت دارد و با قلدری رابطه منفی دارد (میلر، ایسنبرگ، ۱۹۸۸؛ ایسنبرگ و فابز[۲۰]، ۱۹۹۸). درواقع، همدلی، مفهومی بنیادین در علوم روان‌شناختی است که روانشناسان شناختی و روان پویایی بر فرآیندهای روان‌شناختی آن متمرکز بوده و امروزه نیز به‌گونه‌ای فعال در علوم اعصاب تحت بررسی است (شامای تسوری[۲۱]، ۲۰۰۹).

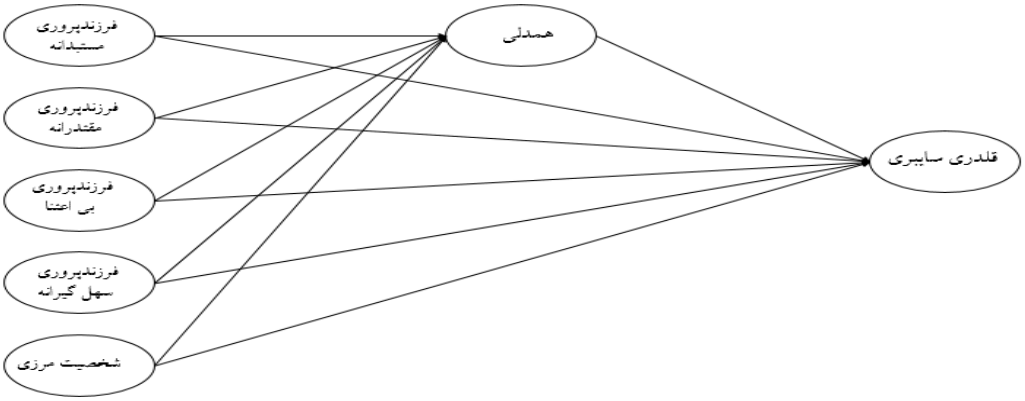
نتایج پژوهش ربکا و دیون[۲۲] (۲۰۱۰) باهدف تعیین رابطه بین همدلی شناختی/ عاطفی و جنسیت با قلدری سایبری در نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله سنگاپوری نشان دادند که همدلی عاطفی/شناختی پایین در هر دو جنسیت باعث می‌شود که افراد در قلدری سایبری نمره بالاتری نسبت به کسانی که همدلی بالاتری از خود نشان می‌دهند، کسب کنند. مبتنی بر یافته‌ها، چنین به نظر می‌رسد که عواملی از قبیل شیوه‌های فرزند پروری، اختلال شخصیت مرزی و همدلی هر یک به شیوه‌های مختلف در بروز و ظهور قلدری سایبری نقش دارند و با توجه به وجود ابهامات زیاد درزمینه قلدری سایبری و نیز پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است، درنتیجه ارائه مدلی برای تعیین قلدری سایبری و عوامل تأثیرگذار در آن می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها راهگشا باشد. به همین علت پژوهش حاضر با موضوع نقش سبک‌های فرزند پروری و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی‌گری نقش همدلی انتخاب‌شده است.

12. authoritarian
13. dominant
14. inconsistent
15. Shields & Cicchetti; Ahmed & Braithwaite
16. Dussich & Maekoya
17. Ang, Tan & Mansor; Lester, Croos & Shaw
18. Douglas & Dutton; Meloy & Boyd
19. Nelson, Coyne, Swanson, Hart & Olsen
20. Miller & Eisenberg; Fabes
21. shatmay- Tsoory
22. Rebecca & Dion

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

مدل پژوهشی به‌قرار زیر است:

شکل ۱- مدل فرضی پژوهش



روش

مطالعه حاضر با توجه به اهداف تحقیق، از نوع همبستگی و با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی هست. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی دانش آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس دولتی ناحیه ۴ آموزش‌وپرورش شهرستان تبریز تشکیل می‌داد که در سال ۹۴-۹۵ مشغول تحصیل بودند که بنابر آمار موجود تعداد کل آن‌ها برابر با ۱۵۴۳ بود. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: دانش‌آموز پایه سوم راهنمایی بودن، پسر بودن و تحصیل در مدرسه دولتی. از جامعه موردمطالعه مطابق با جدول برآورد حجم نمونه مورگان، تعداد ۳۰۵ انتخاب شد. جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده خواهد شد. بدین نحو که ابتدا از بین مدارس متوسطه ناحیه ۴ آموزش پرورش شهرستان تبریز تعداد ۴ دبیرستان پسرانه به‌تصادف انتخاب خواهد شد. سپس از هر مدرسه تعداد ۳ کلاس انتخاب خواهد شد و کلیهٔ دانش آموزان موجود در این کلاسها به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. بعد از کسب رضایت، شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های زیر پاسخ دادند.

ابزار

مقیاس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده[۲۳] (FSQ): این مقیاس توسط نقاشان (۱۳۵۸) بر مبنای کارهای شفر (۱۹۶۵؛ به نقل از حسین چاری، ۱۳۸۶) تهیه شده و دارای ۷۷ ماده است. ضریب پایایی پرسشنامه توسط سازنده آن ۰/۸۷ گزارش‌شده است. الگوی پاسخ دهی به این مقیاس، ۵ گزینه‌ای و به‌صورت مقیاس درجه‌بندی لیکرت و دارای دو بعد محبت و کنترل هست (حسین چاری، آقادلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶). در بعد محبت – طرد نمرات افرادی که برابر یا بالاتر از میانگین است افرادی‌اند که محبت زیادی دریافت می‌کرده‌اند و در بعد کنترل-آزادی افرادی که برابر یا بالاتر از میانگین نمره آورده باشند افرادی‌اند که بر آن‌ها کنترل بالایی اعمال‌شده است؛ بنابراین برای تعیین چهار سبک فرزند پروری ابتدا میانگین هر یک از ابعاد، جدا محاسبه می‌شود و بر اساس نمرات به‌دست‌آمده، چهار سبک با مشخصات، مقتدرانه (کنترل بالا- محبت بالا)، سهل گیرانه (کنترل پایین- محبت بالا) و مسامحه کارر (کنترل پایین- محبت پایین) به دست می‌آید. حیدری (۱۳۸۸) در نمونه‌ای متشکل از دانشجویان، همسانی درونی این پرسشنامه را برای کنترل-آزادی ۰/۸۴ و برای بعد محبت-طرد ۰/۹۶ به دست آورده است.

[23].Parenting style questionner

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

مقیاس شخصیت مرزی (STB): این مقیاس به منظور سنجش الگوهای شخصیت مرزی در تحقیقات غیر بالینی ساخته‌شده است و شامل ۲۴ ماده می‌باشد که به صورت بلی/خیر جواب داده می‌شود، جواب بلی نمره یک و جواب خیر نمره صفر می‌گیرد. این مقیاس سه عامل دارد: عامل ناامیدی، عامل تکانش گری و عامل علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تنیدگی. جکسون و کلاریج (۱۹۹۱) ضریب پایایی و باز آزمایی را برای STB ۰/۶۱گزارش کرده‌اند. همچنین، راولینگ (۲۰۰۱) ضریب آلفای ۰/۸۰ را برای STB گزارش کرده‌اند. تحقیقی که هم توسط شانکار (۱۹۹۸ به نقل از راولینکز و همکاران، ۲۰۰۱) روی بیماران بالینی که تشخیص اختلال شخصیت مرزی داشتند انجام‌گرفته، روائی افتراقی و روائی سازه STB را تأیید کرده است. در ایران، محمد زاده، گودرزی، تقوی و ملازاده (۱۳۸۴) ضریب پایایی باز آزمایی در فاصله ۴ هفته را برای کل مقیاس STB ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های ناامیدی، تکانش گری و علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تنیدگی را به ترتیب۰/۵۳، ۰/۷۲ و ۰/۵۰ گزارش کرده‌اند. ضریب آلفا برای کل مقیاس ۰/۷۷ . برای خرده مقیاس‌های ناامیدی ۰/۶۴، تکانش گری ۰/۵۸ و علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تنیدگی ۰/۵۷۰ هست. همچنین، STB از روایی (عاملی و افتراقی) مطلوبی در ایران برخوردار است.

پرسشنامه قلدری سایبری (CB): در این پژوهش برای سنجش قلدری سایبری از پرسشنامه لوپز[24] (۱۹۹۷) استفاده‌شده است. بدین‌صورت که ابتدا پرسشنامه موردنظر از پایان‌نامه دکتری خانم کارول کمپفیلد[25] (۲۰۰۸) با کمک استاد راهنما انتخاب شد و آن را ترجمه و در نهایت با بازنگری مجدد استاد راهنما فرم نهایی تنظیم گردید. این پرسشنامه از سری پرسشنامه-های خود گزارش دهی است که به منظور سنجش قلدری / قربانی سایبری و قلدر / قربانی سنتی توسط لوپز (۱۹۹۷) ساخته‌شده است. ضریب پایایی برای نمره کل مقیاس برابر با ۹۰/. گزارش‌شده است این ضریب با اجرای رو نمونه ۲۳۸/۶ نفری از دانش آموزان پای هشتم به‌دست‌آمده است، این ضریب برای خرده مقیاس قلدری سایبری برابر با ۹۰/. گزارش‌شده است. این پرسشنامه شامل ۵۴ سؤال هست (۱۳ سؤال قلدری سنتی، ۱۳ سؤال قربانی شدن سنتی، ۱۴ سؤال قلدری سایبری و ۱۴ سؤال در مورد قربانی سایبری) که پاسخ‌دهی سؤالات در طیف لیکرت ۶ درجه دای از (هرگز= ۱، یک یا دوبار= ۲، یک یا دو بار در هفته= ۳، یک یا دو بار در ماه= ۴، تقریباً هر روز= ۵، هر روز= ۶) تنظیم شده است. ضریب آلفای کرانباخ ۰/۸۳ گزارش شده است (لوپز، ۱۹۹۷، به نقل از کمپفیلد، ۲۰۰۸).

مقیاس همدلی بهر (EQ): این آزمون که برای ارزیابی همدلی مورداستفاده قرار گرفت، توسط بارون کوهن و ویل رایت (۲۰۰۰) با ۴۰ سؤال ابداع‌شده است. پاسخ‌دهی به سؤال‌ها در قالب طیف ۲ درجه‌ای از کاملاً موافق (۲) کمی موافقم (۱) و برخی سؤال‌ها به‌صورت معکوس یعنی کاملاً مخالفم (۲) و کمی مخالفم (۱) است. نمره بالا در این آزمون، نشان‌دهنده توانایی خوب همدلی است. ضریب پایایی برای نمره کل مقیاس همدلی بهر ۰/۷۸ است. این ضریب برای خرده مقیاس همدلی شناختی ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس همدلی هیجانی (گرم) ۰/۸۰ و برای خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی ۰/۵۶ بود. همچنین، پایایی مقیاس همدلی بهر با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) را نیز محاسبه کرده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس معادل با ۰/۷۷۹ بود.

[24].Lopez
[25].Carroll Campfield

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

یافته ها

ماتریس کوواریانس بین متغیرهای پژوهش، به همراه میانگین و انحراف معیار آن‌ها در جدول ۱ دیده می‌شود. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول، میانگین نمرات قلدری سایبری ۲۱/۴۷، همدلی ۱۰۸/۸۴؛ شخصیت مرزی ۹/۸۱، فرزند پروری مستبدانه ۶۳/۶۴، فرزند پروری مقتدرانه ۸۰/۲۸، فرزند پروری بی‌اعتنا ۴۲/۲۷، فرزند پروری سهل گیرانه ۳۶/۸۰ است. همچنین مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که بین متغیرها پژوهش هم‌تغییری مثبت و منفی قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد به این معنا که: سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و نشانه‌های شخصیت مرزی به‌واسطه همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به‌صورت مثبت و منفی تبیین کنند. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود مدل اندازه‌گیری شده با مدل نظری برازش مطلوب دارد چراکه الف) مقدار ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب (کوچک‌تر از ۰/۰۵) قرار دارد. ب) نسبت x بر df در حد مطلوب (کوچک‌تر از ۰/۰۵) واقع‌شده است و این نسبت در سطح آلفای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. ج) شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش هنجار شده (CFI) و شاخص توکر- لوییس (TLI) در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۹۰) قرار دارد. ازاین‌رو، مبتنی بر این یافته‌های می‌توان استنباط کرد که سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و نشانه‌های شخصیت مرزی به‌واسطه همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به‌طور معنی‌دار تبیین کنند. در جدول ۳ ضرایب ساختاری و آزمون t و سطح معنی‌داری متغیرها آورده شده است که نشان می‌دهد اختلال شخصیت مرزی، همدلی پایین، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده (مستبدانه، بی‌اعتنا) قادرند تغییرات قلدری سایبری را به‌طور مثبت و منفی در سطح ($p<۰/۰۵$) تبیین کنند.

جدول شماره ۱- ماتریس کوواریانس، میانگین و انحراف استاندارد بین متغیرها

متغیرها	قلدری سایبری	همدلی	شخصیت مرزی	فرزندپروری مستبدانه	فرزندپروری مقتدرانه	فرزندپروری بی اعتنا	فرزندپروری سهل گیرانه	میانگین (انحراف استاندارد)
قلدری سایبری	۴/۹۲							(۱۱/۶۹)۲۱/۱۷
همدلی	-۲/۷۲	۳/۷۴						(۱۰/۸۰)۱۰۸/۸۴
شخصیت مرزی	۲/۹۱	-۲/۲۲	۴/۱۲					(۴/۷۱)۹/۸۱
فرزندپروری مستبدانه	۲/۲۱	-۲/۱۴	۱/۱۶	۲/۹۵				(۱۴/۹۹)۶۳/۶۴
فرزندپروری مقتدرانه	-۱/۷۹	۲/۵۱	-۲/۲۱	-۱/۱۱	۳/۱۵			(۱۷/۶۰)۸۰/۲۸
فرزندپروری بی اعتنا	۱/۴۱	-۱/۵۹	۲/۰۹	-۲/۱۷	-۱/۶۶	۲/۷۷		(۱۳/۳۷)۴۲/۲۷
فرزندپروری سهل گیرانه	۱/۱۶	۱/۲۷	۱/۲۵	-۱/۸۲	-۱/۰۸	۰/۹۱	۲/۴۵	(۱۰/۳۵)۳۶/۸۰

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

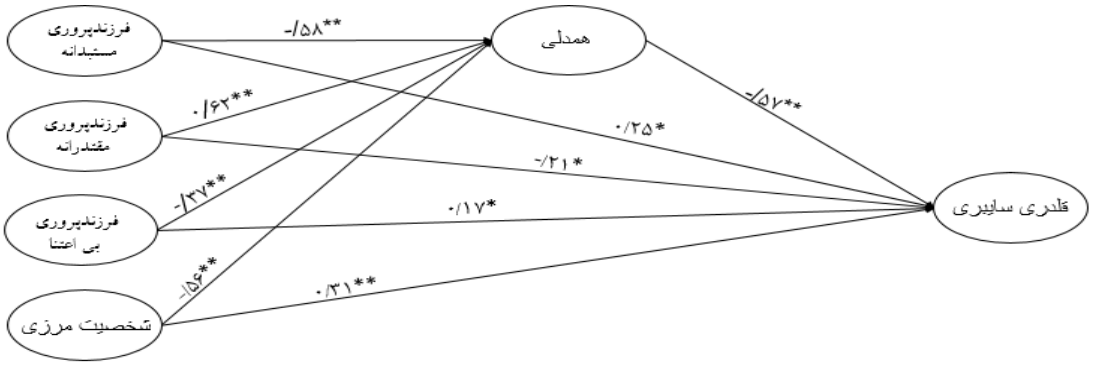
[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

RMSEA	X^2	Df	X^2/df	P	GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI
۰/۰۴	۴۲۳	۱۴۱	۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۲

جدول ۳- ضرایب ساختاری و آزمون t جهت بررسی اثرات مستقیم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب ساختاری	T	سطح معنی داری
شخصیت مرزی	قلدری سایبری	۰/۳۱	۴/۲۶	p<0/05
همدلی	قلدری سایبری	-۰/۵۷	-۶/۷۹	p<0/05
فرزند پروری مستبدانه	قلدری سایبری	۰/۲۵	۳/۷۱	p<0/05
فرزند پروری مقتدرانه	قلدری سایبری	-/۲۱	-۳/۱۲	p<0/05
فرزند پروری بی اعتنا	قلدری سایبری	۰/۱۷	۲/۵۱	p<0/05
فرزند پروری سهل گیرانه	قلدری سایبری	۰/۱۱	۱/۶۲	p<0/05

شکل ۲- ضرایب ساختاری مدل فرضی پژوهش



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی‌گری نقش همدلی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی و قلدری سایبری رابطه مثبت وجود دارد. در تبیین این یافته و در رابطه‌ی نشانه‌های شخصیت مرزی با قلدری و پرخاشگری می‌توان گفت که اختلال شخصیت مرزی با شدت هیجانات منفی و تکانش گری و افکار خودکشی رابطه دارد و افراد مبتلابه اختلال شخصیت مرزی به دنبال فرار از احساسات دردناک هستند، این افراد ممکن است از روش‌های مختلف ازجمله سوءمصرف مواد مخدر، آسیب زدن به خود و بروز دادن رفتارهای پرخاشگرانه برای به حداقل رساندن دردهای خود استفاده کنند. علاوه بر این، می‌توان از مدل پرخاشگری عمومی استفاده نمود (آندرسون و بوشمن[۲۶]، ۲۰۰۲). این مدل بیان می‌کند که افراد محرک‌هایی را که در محیط اجتماعی، میان فردی و موقعیتی هستند، با استفاده از الگوها و طرح‌واره‌های دورنی پردازش می‌کنند. این الگوها و طرح‌واره‌های درونی می‌تواند تحت تأثیر حالت‌های

[26].Anderson & Bushman

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

درونی مانند حالت‌های عاطفی، سطح انگیختگی و شناخت‌هایی در مورد پرخاشگری قرار بگیرند. این فعل‌وانفعال بین محرک‌ها و حالت‌های درونی افراد، پردازش محرک و پیامد رفتار که آیا پرخاشگرانه است یا نه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استفاده از مدل پرخاشگری عمومی باهدف تبیین رابطه بین BPD و قلدری سایبری (رفتارهای پرخاشگرانه دیگر) در این بخش بیان‌شده است. برای مثال، افراد مبتلا به BPD ممکن است طرح‌واره- ها و الگوهای درونی را که بیشتر طرفدار پرخاشگری و پذیرش رفتار پرخاشگرانه هست را داشته باشند. اگر این الگوهای شناختی باحالت عاطفی مثل حسادت بالا و همدلی پایین ترکیب شوند، به‌احتمال‌زیاد محرک خارجی را به‌عنوان تهدید پردازش کنند و به موقعیت‌های اجتماعی با شدت بیشتری پاسخ دهند. به‌طور خلاصه افراد مبتلابه BPD که حسادت بالا و همدلی پایین‌تری دارند، بیشتر احتمال دارد که دیگران را به‌عنوان یک تهدید ببینند و درنتیجه، آن‌ها ممکن است به‌احتمال‌زیاد به دیگران با استفاده از پرخاشگری و قلدری سایبری در طول دوره‌ی نوجوانی پاسخ دهند. این یافته با یافته‌های استاکدل، کوین، نلسون، اریکسون (۲۰۱۵)، آنگ، تان و منصور (۲۰۱۱)، لاستر، کروس و شاو (۲۰۱۲)، داگلاس و داتون (۲۰۰۱)، داتون (۱۹۹۴)، ملوی و بوید، (۲۰۰۳)، داتنهان و وودس (۲۰۰۳)، همسو می باشد. علاوه به راین همدلی قادر است به‌طور منفی رفتارهای قلدری سایبری را پیش‌بینی کند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که همدلی به‌عنوان سازه عاطفی- هیجانی تعدیل گر رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری در جامعه است. همدلی احساس قدرتمندی است که با پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی رابطه منفی دارد و مانع بروز رفتارهای خشن می‌شود و امکان تعامل مؤثر در محیط اجتماعی را به افراد داده و آن‌ها را به کمک کردن به دیگران ترغیب می‌کند (بارون- کوهن و ویل رایت، ۲۰۰۴). این یافته‌ها با یافته‌های بارون-کوهن و ویل رایت (۲۰۰۴)، فرنالد (۲۰۰۶)، لی و سانگ (۲۰۱۲)، داتنهان، وودز (۲۰۰۳)، والتال، کونولد و پیانتا (۲۰۰۵)، جولیف و فارینگتون (۲۰۰۶) همسو و از سویی با یافته‌های چاپلین (۲۰۰۷) و ساتن (۲۰۰۱) ناهمسو است. سومین یافته پژوهش مربوط به سبک‌های فرزند پروری هست که نتایج نشان داد شیوه‌های فرزند پروری ادراک‌شده مستبدانه و بی‌اعتنا با قلدری سایبری رابطه مثبت دارند و شیوه‌های فرزند پروری ادراک‌شده مقتدرانه با قلدری سایبری رابطه منفی دارند و هیچ‌گونه رابطه‌ای بین فرزند پروری ادراک‌شده سهل گیرانه و قلدری سایبری یافت نشد. استناد به مفهوم یادگیری اجتماعی در تبیین یافته- های فوق مفید خواهد بود. مبتنی بر نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، الگوبرداری نقش بسیار مهم و مؤثری در یادگیری مهارت‌های جدید و اجتماعی شدن انسان‌ها دارد (داتنهان و وودس، ۲۰۰۳). چنانچه والدین در تربیت فرزندان خود سهل گیری یا سخت‌گیری افراطی داشته و یا نسبت به نیازهای فرزندان بی‌توجه باشند، یا تعاملات خانوادگی مبتنی بر استفاده از الگوهای رفتاری پرخاشگرانه از قبیل تنبیه‌های جسمانی و برون‌ریزی عواطف خشونت‌آمیز باشد، احتمال بروز قلدری در میان فرزندان وجود خواهد داشت. درواقع، والدین به‌عنوان یک الگوی ارتباطی و آموزشی رفتارهای اجتماعی فرزندان خود را شکل می‌دهند. مطالعات به آشکار نشان داده است که قلدران واقعی در خانواده‌هایی پرورش‌یافته‌اند که پدر خانواده یک قلدر بود (الویوس، ۱۹۸۰، لئوبر و استوتامر و لئومر، ۱۹۸۶، به نقل از الویوس، ۱۳۸۹). در تبیین دیگر می‌توان از پژوهش هاس و میلر (۲۰۱۵) استفاده نمود. به‌منظور انجام این پژوهش، ۸۰ نفر به پرسش‌نامه‌ای به

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]
[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

نام پرسشنامه ۵ عامل شخصیت مرزی پاسخ دادند تا مشخص شود هر یک تا چه اندازه دارای صفات شخصیت مرزی هستند. سپس پژوهشگران با استفاده از تصویربرداری تشدید مغناطیسی کارکردی، فعالیت مغزی شرکت‌کنندگان را اندازه‌گیری کردند. در طول انجام تصویربرداری FMRI از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا فعالیتی مرتبط با همدلی انجام دهند. بدین ترتیب که از توانایی خود استفاده کنند و به یک موقعیت احساسی درباره‌ی افراد دیگر فکر کنند، در حالی که FMRI نیز به طور هم‌زمان فعالیت مغزی آن‌ها را اندازه‌گیری می‌کرد. نتایج پژوهش نشان داد فعالیت نواحی مغزی مرتبط با همدلی در افراد مبتلا به صفات BPD کاهش می‌یابد. این کاهش فعالیت نشان می‌دهد افراد مبتلا به BPD حداقل در مقایسه با افرادی که کمتر دچار صفات BPD هستند، سخت‌تر می‌توانند احساسات دیگران را درک و پیش‌بینی کنند. هاس و میلر توانستد ارتباط بین گرفتن نمره‌ی بالا در نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را با کاهش فعالیت عصبی در دو بخش مغز، اتصال گیجگاهی و شیار فوق گیجگاهی مشخص کند. این دو ناحیه‌ی مغزی در فرایند همدلی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند (برایان هاس، میلر، ۲۰۱۵). این یافته با یافته‌های مارکری بوتساری، کاراگینی (۲۰۱۳)، لی (۲۰۱۰)، احمد و بریس ویت (۲۰۰۴)، آنتونی و چنیلو (۲۰۱۴)، همسو است. در مجموع، مطالعه حاضر اطلاعات ارزشمندی برای فهم قلدری سایبری و ارتباط آن با سه عامل یعنی سبک های فرزندپروری ادراک‌شده، اختلال شخصیت مرزی و همدلی فراهم آورد. باوجوداینکه مطالعه بیشتری در این عرصه پژوهشی نسبتاً جدیدی نیاز است؛ باوجود این یافته‌های این پژوهش بر نقش بالقوه سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، اختلال شخصیت مرزی و همدلی به‌عنوان ریسک فکتورهای قلدری سایبری صحه گذاشت.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان از مساعدت‌های مسئولین آموزش‌وپرورش شهرستان تبریز تقدیر و تشکر می‌نمایند. همچنین، از تمامی دانش‌آموزانی که در این پژوهش شرکت نمودن؛ کمال تشکر و قدردانی را دارند.

References

Ahmed, E. and Braithwaite, V. (2004). "What, me ashamed?" Shame management and school bullying. Journal of Research in Crime and delinquency, 41: 269-294.

Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. Annual Reviews of Psychology, 53, 27–51.

Ang, R.P., Tan, K.-A. and Mansor, A.T. (2011). Normative beliefs about aggression as a mediator of narcissistic exploitativeness and cyberbullying. Journal of Interpersonal Violence,26, 2619-2634.

Anthony Efobi1 & Chinyelu Nwokolo, (2014). Relationship between Parenting Styles and Tendency to Bullying Behaviour among Adolescents Journal of Education & Human Development 1, pp. 507-521.

Baron-Cohen,S. and Wheelwright,S.(204).The empathy quotient: an investigation of adults with Asperger syndrome or high functioning autism and normal sex differences. Journal of autism and developmental disorders 34: 163-175.

Carroll Campfield, Delia.(2008). Cyber Bullying and victimization: psychosocial characteristics of bullies, victims, and bully/victims, University of Montana, Missoula, Montana, Clinical Psychology.

Chaplin, H. (2007). bullying behavior and situational element. Juumal of child behavior, 11, 119-129.

Douglas, K.S.and Dutton, D.G. (2001). Assesssing the link between stalking and domestic violence. Aggression and Violent Behavior, 6: 519-546.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]

[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

Draucker,C.B.,&Martsolf, D.S.(2010).The role of electronic communication technology in adolescent dating violence. Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing, 23, 133–142.

Dussich, J P. and Maekoya, C. (2007). Physical child harm and bullying-related behaviors: A comparative study in Japan, South Africa, and the United States. International Journal of offender Therapy and Comparative Criminology.

Dutton, D. G. (1994). Behavioral and affective correlates of borderline personality organization in wife assaulters. International Journal of Law and Psychiatry, 17: 265-277.

Eisenberg, N., & Fabes,F.(1998).prosocial development. in n. eisenberg (ed), handbook of child psychology, volume 3: social, emotional and personaliyt development(5 end, pp. 701-778).

Fernald, K.(2006). Empathy and conduct disorders. Journal of Abnormal Psychology,18,321-339.

Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1977). Internalization within the family: The self-determination theory

Has, B. w. and Miller, J. D. (2015). Borderline personality traits and brain activity during emotional perspective pndovnsdv qeknoqegm eqrgnoqerg qeergibnqobgr.

Jolliffe, D. and Farrington, D. P. (2006).Examining the relationship between low empathy and bullying. Aggressiv behavior, 32, 1-11.

Kowalski,R.M.,Morgan,Ch.A.&Limber,S.P.(2012).Trad itional bullyingas a potential warning sing of cyberbullying. School Psychology International Journal, 33(5), 505-519.

Law, D.M,. Shapka, J.D., Hymel, Sh., Olson, B.f. & Waterhouse, T. (2012). The changing face of bullying: An Empirical comparison between traditional and internet bullying and victimization.Computer in Human behavior Behavior, 28, 226-232.

Lee, C.-H. (2010).Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among Korean middle school students. Journal of interpersonal violence.,33(4), 323-330.

Lee, C.H. and and Song, J. (2012). Functions of parental involvement and effects of school climate on bullying behaviors among South Korean middle school students. Journal of interpersonal violence: 1-28.

Lester, L., Cross, D. and Shaw, T. (2012). Problem behaviours, traditional bullying and cyber bullying among Adolescents: longitudinal analyses. E motional and behavioural difficulties, 17: 435-447

Meloy, J. R. & Boyd, C.(2003). Female Stalkers and Their Victims. Journal of American Academy of Psychiatry and the Law, 31, 211–219.

Miller, P. A. and Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior Psychological bulletion, 103:324.

Murray, Ch., Zvoch, K. (2011). Teacher- student Relationships among Behaviorally Atrisk African American Youth From Law- Income Backgrounds: Student Perceptions, Teacher Perceotions, and Socioemotional Adjustment Correlayes. Emotional and Behavioral Disorders. 19 (1), 41-54.

Nelson, D. A., Coyne, S. M., Swanson, S. M., Hart, C. H.,& Olsen,J. A. (2014). Parenting, relational aggression, and borderline personality features: Associations over time in a Russian longitudinal sample. Development and Psychopathology, 26, 773–787.

Olweus, D. (1993). Bullying at school: What we know and what we can do._Oxford: Blackwell.

Patchin, J.W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A Test of General Strain Theory. Youth & Society, 43(2), 727-751.

perspective. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), Parenting and children's internalization of values: *A* handbook of contemporary theory (pp. 135-161). New York: Wiley.

Pornari, C. D., & Wood, J. (2010). Peer and cyber aggression in secondary school students: The role of moral disengagement, hostile attribution bias, and outcome expectancies. Aggressive Behavior, 36, 81–94.

Rebecca P. Ang • Dion H. Goh. (2010). Cyber bullying Among Adolescents: The Role of Affective and Cognitive Empathy, and Gender. Child Psychiatry Hum (2010) 41:387–397.

Rudasill, K.M., Gallagher, K.C. and White, J.M. (2010). Temperamental attention and activity, classroom emotional support, and academic achievement in third grade. Journal of School Psychology, 48: 113-134.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]

[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]

Shamay-Tsoory, S.G. (2009).16 Empathic Processing: Its Cognitive and Affective Dimensions and Neuroanatomical Basis. The social neuroscience of empathy: 215-232.

Stockdale, L. A., Coyne, S. M., Nelson, D.A. and Erickson, D. H. (2015). Borderline personality disorder features, jealousy, and cyberbullying in adolescence. Personality and Individual Differences, 83: 148-153.

Sutton, J. (2001). Bullies: Thugs or thinlers? The Psychologis, 14(10), 530-534.

Walthall, J.C., Konold, T.R. and Pianta, R. C. (2005). Factor structure of the social skills rating system across child gender and ethnicity. Journal of Psychoeducational Assessment, 23: 201-215.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1397.5.2.2.7]

[DOI: 10.29252/shenakht.5.2.81]